

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

نقش شاعران فارس در جنبش مشروطیت

(ص ۲۰۲-۱۸۵)

عبدالرسول فروتن (نویسندهٔ مسئول)^۱، علی محمد مؤذنی^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

انقلاب مشروطیت ایران در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران اهمیت فراوان دارد. این جنبش، تحول بسیاری در ادبیات فارسی برجای گذاشت. البته شاعران مختلفی هم با سرودن اشعار و نشر آنها به تحقق اهداف این انقلاب کمک کردند که بیشتر ساکن تهران بودند. در بررسی انقلاب مشروطه عموماً تأثیر اقدامات مردمان مناطقی جز آذربایجان و تهران نادیده گرفته میشود. یکی از این مناطق که اتفاقاً در ایجاد و پیگیری انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت، فارس است. در این مقاله، پس از بررسی اجمالی وقایع مشروطه در ایران و فارس، شاعران مشروطه‌طلب فارس را به دو دسته تقسیم میکنیم: ۱. شاعرانی که در اشعار خود به حوادث آن عهد واکنش نشان داده و با استفاده از شعر، سعی در اصلاح جامعه و بیان آرای خود در این زمینه داشته‌اند؛ مانند: معطر بواناتی، تاجر شیرازی، معتقد اهرمی، فصیح‌الزمان رضوانی، سدیدالسلطنه و... اشعار آنان هم از نظر تاریخی و اجتماعی و هم از نظر ادبی اهمیت دارد. ۲. شاعرانی که عملکرد آنان موجب تقویت روحیهٔ انقلابی مردم و جنبش مشروطه شده و در این زمینه مجاهدتهایی از طریق روزنامه‌نگاری، رساله‌نویسی، مبارزه مسلحانه، تأسیس انجمن و... از خود نشان داده‌اند. البته در این میان دستهٔ سومی نیز همچون شعاع شیرازی و صدرالسادات کازرونی حضور دارند که با تجدّد و مشروطه مخالفند و این اندیشه را در آثار خود منعکس کرده‌اند.

کلمات کلیدی: انقلاب مشروطه، فارس، شاعران مشروطه‌طلب، شعر سیاسی - اجتماعی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان «سمت»، foroootan@samc.ac.ir

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، moazzeni@ut.ac.ir

مقدمه

انقلاب مشروطه که در نتیجه مجموعه‌ای از وقایع و بدنبال آگاه شدن مردم ایران در مورد برخی از حقوق خود رقم خورد، حادثه بسیار مهمی در تاریخ ایران بشمار میرود. تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق/ ۱۲۳۰ش) و آشنایی تدریجی ایرانیان با تحولات جهانی، اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. نوشته‌ها و سخنان روشنفکرانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، عبدالرحیم طالبوف، فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان و همچنین مطالب روزنامه‌هایی مثل *حبل‌المتین*، حکمت و *ملانصرالدین* مردم را با اندیشه آزادی و مشروطه‌خواهی آشنا میکرد. علاوه بر آن، وقایعی چون نهضت تنباکو (۱۳۰۹ق/ ۱۲۷۰ش)، قتل ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ق/ ۱۲۷۵ش)، پیروزی ژاپن بر روسیه در سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۲ق (۱۲۸۳-۱۲۸۲ش)، گران شدن قند و مجازات تاجران بدست علاءالدوله (۱۳۲۲ق/ ۱۲۸۳ش)، جریان مشروطه‌خواهی را به پیش برد. سرانجام مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را به سال ۱۳۲۴ق (۱۲۸۵ش) امضاء کرد. پس از آن، مجلس شورای ملی تشکیل شد و وقایع تلخ و شیرین بسیاری به وقوع پیوست که تفصیل آنها در اینجا نمیگنجد (رک: تاریخ مشروطه ایران، کسروی: ص ۷-۱۲۰؛ از صبا تا نیما، آرین‌پور، ج ۱: ص ۲۲۵-۲۲۶).

درباره شاعرانی که اغلب ساکن تهران بودند و اشعار خود را در جراید مشهور ملی منتشر میکردند، مقالات و کتابهای متعددی نوشته شده است، اما شاعران دیگر مناطق از جمله فارس - که یکی از مهمترین مراکز ادبیات فارسی، دست‌کم از قرن هفتم هجری محسوب میشود و در روزگار پیش از مشروطه یعنی در عهد بازگشت نیز شاعران مطرحی داشته - در این بررسیها نادیده گرفته شده و تاکنون هیچ تحقیقی درباره نقش شاعران آن دیار در جنبش مشروطه منتشر نشده است. در واقع پرسش اصلی این پژوهش این است که شاعران فارس در عهد مشروطه چه واکنشی نسبت به وقایع سیاسی اجتماعی منطقه خود - که از مناطق مهم کشور به شمار می‌آمده - و بصورت کلی ایران داشته و تا چه میزان به توفیق دست یافته‌اند و تا چه حد میتوان نام این شاعران را در کنار نام شاعران مشهور آن روزگار پایتخت قرار داد. این تحقیق به تکمیل تحقیقات پیرامون ادبیات مشروطه در ایران و همچنین مباحث جامعه‌شناختی در عهد مشروطه یاری میرساند و از این جهت ضرورت آن بیشتر مشخص میشود. منظور ما در این مقاله از فارس، مفهوم تاریخی آن در همان زمان است که شامل تمام یا اکثر بخشهای استانهای فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و بخشهایی از خوزستان و هرمزگان کنونی میشده است (رک: فارسنامه ناصری، فسای: ص ۸۹۹).

روش این پژوهش، تحقیق در منابع مربوط به اعلام (تذکره‌ها و تراجم)، آثار شاعران آن دوره و منابع تاریخی دسته اول بوده که البته بدلیل گستردگی منابع، بویژه در شرح احوال و نقل اشعار، کوشیده شده اختصار در ارائه مطالب رعایت شود. همچنین باید گفت که بسیاری از افرادی که در

اینجا تحت عنوان کلی «شاعر» معرفی میشوند، در واقع ادیب یا نویسنده یا فقیه یا عارف نیز بوده‌اند. نکتهٔ دیگر اینکه در اینجا صرفاً به سرایندگانی پرداخته خواهد شد که در باب رخدادهای مشروطه و وضعیت مردم در آن زمان شعر سروده و یا در آن نقش داشته‌اند، از اینرو حوادث پیش و پس از مشروطه (از جمله جنگ جهانی اول و تجاوز انگلیسیها به جنوب ایران) لحاظ نشده است.

انقلاب مشروطیت در فارس

از آنجا که پس از این به نقل اشعاری میپردازیم که به حوادث فارس در زمان انقلاب مشروطه اشاره دارند، ناگزیر به بیان مختصری دربارهٔ وقایع آن سالها و عوامل کلی آنها هستیم. براساس اسناد بدست آمده، فارس پس از تهران نخستین ناحیه از ایران است که مردم آنجا به هنگام انقلاب مشروطیت، بدون آنکه از رخدادهای تهران باخبر باشند، علیه استبداد و برای کسب آزادی قیام کرده‌اند، به همین دلیل، قیام مردم فارس اهمیت بسیاری دارد. این امتیاز را باید تا اندازه‌ای معلول موقعیت سیاسی و جغرافیایی این سرزمین دانست که بر کنار خلیج فارس بود و مرکز فعالیت سیاسی و اقتصادی غربیها (بوژه انگلیسیان) محسوب میشد (نهضت آزادی خواهی مردم فارس...، قائم مقامی: ص ۱۰). همچنین در آستانهٔ انقلاب مشروطیت، وجود سه اتحادیهٔ ایلی قدرتمند خمسه، قشقایی و بختیاری در محدودهٔ سیاسی این ایالت و تضادهای اجتماعی این قبایل، ویژگی خاصی را به حوادث فارس بخشیده بود (نگاهی به تحولات فارس در آستانهٔ استبداد صغیر، وثوقی و کمالی سروستانی: ص ۸).

مردم فارس در اوایل سال ۱۳۲۳ ق (۱۲۸۴ ش) علیه استبداد و ستمگریهای شعاع السلطنه فرزند مظفرالدین شاه، حاکم وقت این ایالت که بنای ستمگری گذاشته بود، بپا خواستند تا اینکه در نهایت او در ۳۰ رجب ۱۳۲۳ ق (۷ مهر ۱۲۸۴ ش) بدون اینکه رسماً از حکمرانی استعفا کرده باشد، شیراز را ترک کرد و به تهران رفت. حکمران بعدی، غلامحسین خان وزیر مخصوص، بدلیل کارشکنیهای کارگزاران شعاع السلطنه راه به جایی نبرد و کمتر از یک سال بعد عزل شد. این امر مجدداً باعث نارضایتی مردم و پناهنده شدن برخی به سفارت انگلستان شد (فارس در عصر قاجار، امداد: ص ۴۲۶؛ نهضت آزادی خواهی مردم فارس...، قائم مقامی: ص ۱۱-۱۲، ۳۱، ۴۰ و ۱۱۶).

چند ماه بعد و پس از پیروزی انقلاب مشروطه، نمایندگان فارس به سوی مجلس شورای ملی در تهران رهسپار شدند. البته در شیراز، پیش از انتخاب نمایندگان، دو انجمن به نامهای «ایالتی» و «اسلامی» تأسیس شده بود. مجلس و مشروطه طلبان از انجمن ایالتی حمایت میکردند. این دو انجمن با یکدیگر رقابت و دشمنی شدیدی داشتند (فارس در عصر قاجار، امداد: ص ۴۵۹). در این زمان، قوای فارس و سران آنها همانند بسیاری از مناطق مهم کشور، به دو دستهٔ مشروطه طلب و مستبد تقسیم شدند. در این جناح بندی، خاندان قوام الملک که حاکمیتی دوپست ساله بر فارس داشتند، در گروه مستبدان و بزرگانی چون آیت الله سید عبدالحسین لاری و صولت الدولهٔ قشقایی در جناح مشروطه طلبان قرار گرفتند. میان این دو گروه نزاعهای متعددی بوجود آمد و چند ترور

هم انجام شد؛ از جمله: ترور قوام‌الملک در ۴ صفر ۱۳۲۶ (۱۶ اسفند ۱۲۸۶ش) بدست نعمت‌الله بروجردی، نوکر معتمد دیوان کواری، که به انجمن اسلامی نسبت داده شد و ترور شیخ باقر اصطهباناتی و سید احمد دشتکی در روز سوم مجلس ترحیم قوام‌الملک در حسینیه قوام. پس از این منازعات، انقلابیون تهران با اجتماع در مقابل مجلس، خواهان رسیدگی فوری در مورد اوضاع فارس شدند. سرانجام مسعود ظل‌السلطان به حکومت فارس منصوب شد و فارس در امنیت و آرامش نسبی قرار گرفت (نگاهی به تحولات فارس در آستانه استبداد صغیر، وثوقی و کمالی سروستانی: ص ۱۲-۱۶؛ ۲۹؛ فارس در عصر قاجار، امداد: ص ۴۷۳). چند سالی پس از آن، جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۷ق/ ۱۲۹۳-۱۲۹۷ش) آغاز شد و جنوب ایران بیش از پیش تحت سیطره و هدف حملات انگلیسیها قرار گرفت.

شاعران فارس و شعر مشروطه

در این قسمت به بررسی زندگی و شعر شاعرانی از دیار فارس میپردازیم که در اشعار خود کوشیده‌اند ملت ایران را نسبت به مسائل و حقوق خود آگاه کنند و یا با اشاره به حوادث عهد مشروطه در سطح ملی و یا منطقه‌ای، نظر خود را بیان دارند. در مطرح کردن نام این شاعران، بویژه در چند مورد اول، ترتیب تاریخی مدنظر بوده است.

۱. معطر بواناتی

میرزا محمدباقر بواناتی معروف به «ابراهیم‌خان» متخلص به «معطر» (وفات در حدود ۱۳۱۰ق/ ۱۲۷۱ش) در بوانات متولد شد. تحصیلات خود در علوم قدیمه، ادبیات فارسی، عربی و حتی زبان انگلیسی را در شیراز کسب کرد. او همانند فرنگیان لباس میپوشید و گاه سخنانی تند در رد افکار ارتجاعی و اعمال استبدادی و خرافات بیان میکرد، از اینرو او را به بیدینی و پیروی از «باب» متهم کردند. ناچار با همکاری سید جمال‌الدین اسدآبادی از راه بوشهر و مصر به لندن رفت. دین خود را هر از چندی تغییر داد (مسیحیت، آیین بودایی، دین زردشتی و یهودی) و در آخر هم خود مذهبی مخلوط از دین اسلام و مسیحی اختراع کرد و به تبلیغ آن پرداخت. وی پس از چند سال توقف در انگلستان و بیروت به تهران رفت و در خانه خود مکتبی تأسیس کرد و به کودکان بصورت رایگان فارسی و عربی و انگلیسی می‌آموخت. گویا در اواخر عمر به راهنمایی سید جمال‌الدین اسدآبادی مجدداً متدین به اسلام شده بود (ابراهیم‌جان معطر... افشار: ص ۴-۵؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۱: ص ۴۱۳-۴۱۷).

از معطر بواناتی قصیده‌ای سیصدوشصت‌وشش‌بیتی به نام شمسیه لندنیه به سال ۱۸۸۲م (۱۳۰۰ق/ ۱۲۶۱ش) در لندن به طبع رسید که براون آنرا نخستین نمونه شاعری سیاسی و وطنی در ایران نوین میداند. به همین دلیل است که نام او در ابتدای این مقاله بعنوان شاعری که احتمالاً تأثیری در جنبش مشروطیت ایران داشته، درج شده؛ هرچند وفاتش در حدود چهارده سال پیش از امضای

فرمان مشروطیت اتفاق افتاده است. معطر بواناتی در این قصیده، تقسیم ایران میان انگلستان و روسیه را پیش‌بینی کرده بود؛ امری که در آن زمان کاملاً غیرمحمّل بنظر میرسد (تاریخ مطبوعات...، براون: ص ۸۵-۸۶). برای نمونه چند بیت از این شعر نقل میشود:

گوش! که بانگ نفیر روس برآمد هوش! که گوش از خروش کوس کر آمد...
از دم قطب شمال تا پل کابل معرض کوپال و گرز و یال برآمد...
گفتم با روس چون عروس میامیز کاولاد خرس وارث پدر آمد...
شیر جنوب این دلیر و خرس شمال آن کیست که با خرس و شیر هم دگر آمد
(همان: ص ۸۷-۹۰).

در بیت آخر، منظور از «خرس» و «شیر» بترتیب روسیه و انگلستان است.

۲. تاجر شیرازی

میرزا حسینعلی تاجر شیرازی از شاعران دوره قاجاریه است. در تذکره‌ها شرح احوال و شعری از تاجر شیرازی نیامده، اما منظومه میکادونامه او درباره جنگ روسیه و ژاپن در سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ق (۱۲۸۲-۱۲۸۳ ش) نامش را جاودان کرده است. از اشعارش چنین برمی‌آید که سالها به سفر پرداخته و در زمان وقوع جنگ ژاپن و روسیه در هندوستان بوده و بعد به خراسان رفته، مدتی در آنجا اقامت داشته است. تاجر شیرازی میکادونامه را یک سال پیش از انقلاب مشروطیت به پایان رسانده و به سال ۱۳۲۵ ق در کلکته چاپ کرده است. در مقدمه‌ای که جلال‌الدین حسینی مؤیدالاسلام - صاحب‌امتیاز روزنامه مشهور *حبل‌المتین* طبع کلکته - بر این اثر نوشته، آنرا دارای کمال امتیاز به شمار آورده و «نصایح دلپذیر و چگونگی محاربات عبرت‌خیزش را اسباب جنبش و مایه عبرت ملل غیور» دانسته است (سیمای شاعران فارس در هزار سال، امداد، ج ۱: ص ۶۶۶-۶۶۷). همان‌گونه که در مقدمه مقاله گفته شد، پیروزی ژاپن بر روسیه از عوامل خودباوری ملت ایران و وقوع انقلاب مشروطه بود. روسیه بخشهایی از ایران را در چند دهه قبل از این جنگ به یغما برده بود، اما کشوری ناشناخته توانست آنرا شکست دهد. در این میان، تاجر شیرازی که شاعری مشروطه‌خواه و گمنام بود، جنگ روسیه و ژاپن را با زبان حماسی به شعر درآورد و در میان آن، بمثابة یک ایرانی، کینه و بغض تاریخی خود را نسبت به روسیه نشان داد (مقدمه میرانصاری بر میکادونامه: ص ۱۰-۱۳). در میکادونامه تفکر اصلاح‌طلبی و هدف اصلی تاجر شیرازی که همانا پیشرفت، آزادیخواهی و حکومت قانون در ایران است، بروشنی دیده میشود.

تاجر شیرازی در خاتمه منظومه خود، در اهمیت مشروطه سخن گفته است که ابیاتی از آن آورده میشود:

رعیت کنون فکر آزادی است چو ضد شه شود، فکر بر بادی است

اگر باز مشروطه شد دولتش فزون گردد آن قدرت و قوتش
 چو دولت به مشروطگی شد قرار فزون گردد از اولش اعتبار...
 ز مشروطگی گشت ژاپون بزرگ که شد چیره بر همچو خصمی سترگ
 (همان: ص ۱۱۵-۱۱۶)

۳. معتقد اهرمی

میرزا حسین معتقد اهرمی (متوفی ۱۳۳۰ق / ۱۲۹۰ش)، از علمای روشنفکر و آزادی‌خواه بوشهر در عهد مشروطه است. پس از تحصیل علم در خورموج و عراق عرب، در مدرسه سعادت بوشهر به تدریس عربی و ادبیات فارسی مشغول شد. پس از چند سال در گوشه انزوا آرمید و به کتابت قرآن مجید و تألیف پرداخت. از او چند کتاب در زمینه ادبیات و دین برجای مانده است (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۴: ص ۴۸۲-۴۸۳). همچنین وی یکی از نخستین رسالات سیاسی در دفاع از نهضت مشروطیت را با نام احیاء الملة نوشت و در مطبوعات به چاپ رسانید. این رساله، پیش از استبداد صغیر و به قصد دفاع از مشروعیت مشروطه در سال ۱۳۲۵ق (۱۲۸۶ش) تألیف شده است (رسائل مشروطیت، زرگری‌نژاد: ج ۱: ص ۷۰۹).

از معتقد اهرمی قصیده‌ای در انتقاد از شیوه وضع قانون و عدم توجه به قوانین الهی، خلع محمدعلی‌شاه، اقدامات مجلسیان و بی‌احترامی نسبت به رهبران مشروطه در دست است که به نقل دو بیت آن اکتفا میشود:

تا بود قرآن، به قانونِ دگر ما را چه کار چیست این بازیچه‌ها و چیست این تزویرها...
 شیخ فضل‌الله و میر هاشم به دار کینه زد یازده ساعت ابا شلیک و موزیک و غنا
 (مشوش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۱۱۱-۱۱۳)

معتقد اهرمی را باید فردی مشروعه‌خواه و در جبهه شیخ شهید فضل‌الله نوری به شمار آورد. سخنان او در شعر یادشده، این مسئله و تمایل وی به مصالحه و مشروطه‌ای اسلامی را نشان میدهد و این نکته حاکی از مخالفت وی با مشروطه نیست.

۴. سدیدالسلطنه

محمدعلی سدیدالسلطنه (متوفی ۱۳۶۲ق / ۱۳۲۰ش) فرزند حاجی احمدخان سرتیپ، از نویسندگان و شاعران صاحب‌نام اهل جنوب و دارای آثار متعدد در زمینه جغرافیای تاریخی، ادبیات، سفرنامه و... است. او همچون پدرش با سیاست‌مداران و ادیبان نامداری در ارتباط بوده و خود نیز اغلب در مناصب والای حکومتی قرار داشته است. مجموعه این عوامل سبب شده که حوادث زمان و بحث‌های رایج میان روشنفکران و ادیبان جامعه در آثار او منعکس شود. او به سال ۱۳۰۳ق (۱۲۶۴ش) کلیات علوم جدید

و برخی آثار عربی را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی، روشنفکر مشهور عهد ناصری که در خانه پدرش سکونت داشت، در بوشهر فراگرفت. سید جمال‌الدین، که در آنجا پیوسته، در جمع شاگردان خود از جمله فرصت شیرازی و ملک‌المتکلمین، درباب مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی سخنرانی میکرد، سدیدالسلطنه را به قرائت جراید مصر و روزنامه‌هایی مثل *اختر و حبل‌المتین* و نیز آثار روشمند پژوهشگران اروپایی تشویق و از خواندن *ناسخ‌التواریخ*، بدلیل وجود تملق و در نتیجه کتمان حقایق در آن، منع کرد (تکمله راجع به شرح... سدیدالسلطنه: ص ۱۱).

استاد دیگر سدیدالسلطنه، میرزا حسین معتقد اهرمی، عالم مشروطه‌خواه بود که پیش از این درباره وی سخن گفتیم. به دیگر معلم آزادیخواه او یعنی غلامحسین بندرریگی هم پس از این اشاره خواهیم کرد. سدیدالسلطنه مدتی نیز در مدرسه پروتستانهای بوشهر به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت (ضمیمه اللطیفة، سدیدالسلطنه: ص ۳؛ مشوش نامه، همو: ص ۸۱). پرورش در چنین فضای فکری و اجتماعی، سدیدالسلطنه را فردی متجدد، آزادی‌خواه و مترقی بار آورد. پس از اتمام تحصیلات عموماً به کارهای دولتی مشغول بود. وی در سال ۱۳۱۴ق (۱۲۷۵ش)، نه سال پیش از امضای فرمان مشروطیت، مشروطه‌خواهان مشهور همچون ملک‌المتکلمین را به منزل خود در تهران دعوت میکرد تا در ضمن مجالس نوحه‌خوانی، به روشننگری مردم پردازند (سفرنامه سدیدالسلطنه، سدیدالسلطنه: ص ۲۹۲).

اشعار اندکی از سدیدالسلطنه بازمانده که اغلب هم به دوران جوانی او تعلق دارد که غزل میسرود. برخی از اشعار او در آثارش همچون *مشوش‌نامه* (ص ۳۴۸، ۳۸۳، ۳۸۸، ۳۹۱ و ۳۹۲) و برخی تذکره‌ها دیده میشود. یکی از مهمترین سروده‌های انقلابی او، شعری است که به سال ۱۳۲۶ق (۱۲۸۷ش) در حمایت از قیام آیت‌الله سید عبدالحسین لاری سرود که ابیاتی از آن چنین است:

برخاست پس از گریه یکی خنده‌ای از لار آمد خبر جنبش جنبده‌ای از لار
آورد نسیمی نفس زنده‌ای از لار پیدا شده یک پهلو یک‌دنده‌ای از لار...
مشروطه ز اقدام تو دایر شود امروز بنگاه مظالم ز تو بایر شود امروز...

(رک: مغاص اللثالی و منار اللیالی، سدیدالسلطنه: ص ۳۱-۳۲)

در هر حال، سدیدالسلطنه در این شعر از نهضت آیت‌الله لاری در سال ۱۳۲۵ق (۱۲۸۶ش) بخوبی یاد میکند و پیشنهاد میدهد که به قیام مردم تبریز هم توجه داشته باشد و به آن یاری رساند. گرچه پس از این تاریخ، اقدامات سید لاری را «فتنه» و موجب «هیجان» و «شورش» دانسته است (سرزمین‌های شمالی...، سدیدالسلطنه: ص ۱۸۷). میتوان دریافت که او در فاصله چند سال و با توجه به نتیجه نهضت سید عبدالحسین لاری که آشوب در شیراز و دیگر نقاط فارس را در پی داشت، چنین تغییر عقیده داده است.

۵. فصیح‌الزمان رضوانی

سید محمد ملقب به «فصیح‌الزمان» و متخلص به «رضوانی» (متولد ۱۲۹۶ق / ۱۲۴۰ش در شیراز، متوفی ۱۳۶۵ق / ۱۳۲۴ش در تهران) پس از اتمام تحصیلاتش در شیراز، اصفهان، قم و تهران به وعظ بر منابر اشتغال ورزید و به دربار ناصرالدین‌شاه و پس از آن، مظفرالدین‌شاه راه یافت (سیمای شاعران فارس در هزار سال، امداد، ج ۱: ص ۶۲۸-۶۲۹؛ روضه رضوان، رضوانی: ص ۴).

فصیح‌الزمان رضوانی در جریان انقلاب مشروطه به هواداری از آزادیخواهان اشعاری را سرود و به حوادث زمان واکنش نشان داد. او ترکیب‌بندی مشتمل بر بیست‌وپنج بند در مرثیه عبدالحمید و انتقاد از شاه و صدر اعظم سروده است. این انتقاد از شاه با توجه به جایگاه والای وی نزد پادشاه آن زمان، مظفرالدین‌شاه، اهمیت بسیار دارد. عبدالحمید طلبه‌ای بود که در ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ق (۱۷ تیر ۱۲۸۵ش) در بحبوحه اعتراضات مردم به کارهای عبدالمجید عین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین‌شاه، به ضرب گلوله‌ای بدست مأموران کشته شد. این حادثه، اعتراض بیشتر مردم را در پی داشت. بند نهم این ترکیب‌بند در شرح این ماجرا سروده شده است که در آن میگوید:

شاهها به خلق این‌همه رنج و تعب چرا دریای رحمتی تو، به مردم غضب چرا...
برگو به این اتابک با جان برابرت انداختی تو دولت ما را عقب چرا
روزی هزاروهشتصد از وجه نان و گوشت بردن ز هر گرسنه و هر تشنه لب چرا...
از نو حسین کشته ز جور یزید شد عبدالحمید کشته عبدالمجید شد
(رک: گلهای فصیح‌الزمان رضوانی، رضوانی: ص ۱۱-۲۵)

رضوانی مسدسی نیز در شیراز علیه انجمن اسلامی گفته و به مجلس فرستاده است. بند دوم آن چنین است:

ای صبا! ای همه دل را ز ازل محرم راز در بهارستان بایی شده از جنت باز
نام او مجلس شورا، به عدالت دمساز بنه آنجا سر تسلیم به صد عجز و نیاز
برکش از سینه ریش و دل مجروح آواز چاک زن جامه، بگو فاش که اندر شیراز
زد به مشروطه و بر شرع لک بدنامی کفر و لامذهبی انجمن اسلامی

(همان: ۳۲-۳۷)

فصیح‌الزمان اشعار دیگری نیز درباره حوادث مشروطه دارد که همگی علاوه بر اینکه از نظر تاریخی نهایت اهمیت دارند، از نظر زبانی و ادبی نیز در جایگاه والایی قرار میگیرند. او شعری نیز در قدح علاءالدوله حاکم شیراز در حدود انقلاب مشروطه سروده و همچون مطلع مسدسی که در هجو

انجمن اسلامی از او نقل شد، با مخاطب قرار دادن باد صبا برای بردن پیغام به تهران، بشدت از اعمال حاکم انتقاد کرده است:

به صفاهان و به کاشان و به یزد و کرمان غیر شیراز ندیدم به تمام ایران
حاکمش هر دنی پستِ مزخرف باشد اشرفیها برَد و حضرت اشرف باشد
(گلهای فصیح‌الزمان رضوانی، رضوانی: ص ۲۷)

در مجموعه اشعار رضوانی، قصیده‌ای در احیاء ثانی مشروطه به سال ۱۳۲۷ق (۱۲۸۸ش) دیده میشود که باید پس از فتح تهران و بازگشایی دوره دوم مجلس سروده شده باشد:

مژده که مشروطه زد لوای مجدّد کالبد ملک یافت روح مجرد
مژده که افکند باز مجلس شورا بر سر هفت آسمان دو مرتبه مسند...
(رک: همان: ص ۴۱-۴۳)

۶. سعیدی کازرونی

سید عبدالوهاب کازرونی متخلص به «سعیدی» (زاده ۱۲۸۴ق / ۱۲۴۶ش و درگذشته ۱۳۶۴ق / ۱۳۲۴ش در کازرون) در زادگاه خود و مدتی هم در بوشهر میزیست و به گردآوری اشیاء عتیقه و کتب خطی میپرداخت. از او مجموعه‌ای از قصاید و غزلیات برجای ماند (آثارالرضا، سلامی: ص ۴۸؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۳: ص ۱۶۳-۱۶۶). یکی از آثار او *هادی‌السبیل* نام دارد که منظومه‌ای است حدوداً هزاربیتی در وصف مشروطه و مدح مشروطه‌خواهان. این کتاب که در سال ۱۳۲۸ق (۱۲۸۹ش) در شیراز چاپ شده، بیشتر از نظر تاریخی حائز اهمیت است و ارزش ادبی اندکی دارد. سعیدی به حوادث مهم مشروطه در سطح کشور و پیشوایان آن توجه داشته و پیوسته مردم فارس و ایران را به هواداری از مشروطه دعوت کرده است. در زیر، برای نمونه دو بیت از آن نقل میشود:

ای گریزان ز کوی مشروطه قدمی نه بسوی مشروطه
کن رها کفر زلف استبداد چنگ درزن به سوی مشروطه
(همان: ص ۱۲)

۷. اورنگ شیرازی

میرزا محمود شیرازی متخلص به «اورنگ» (متولد ۱۲۸۶ق / ۱۲۴۸ش در شیراز، متوفی ۱۳۴۴ق / ۱۳۰۴ش در تهران) نواده وصال شیرازی بود. او پس از اتمام تحصیلات در شیراز و عتبات عالیات به اصفهان و سپس تهران رفت و کوششهایی در راه مشروطه انجام داد تا اینکه در دوره سوم مجلس شورای ملی (۱۳۳۳-۱۳۳۴ق / ۱۲۹۳-۱۲۹۴ش) از طرف اهالی فیروزآباد فارس به نمایندگی

مجلس انتخاب شد (ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ذاکر حسین: ص ۷۸۳)، اما یک سال بعد، آزادی‌طلبان وی را در شیراز محبوس ساختند (گلشن وصال، روحانی وصال: ص ۶۳۴؛ مشوش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۲۹۲). پس از آن، اورنگ چند شغل دولتی دیگر را هم عهده‌دار شد (رک: سیمای شاعران فارس در هزار سال، امداد، ج ۱: ص ۶۶۳).

از او علاوه بر برخی اشعار اجتماعی از جمله شعری که در تاریخ الغاء لقب به سال ۱۳۰۴ ش سروده (رک: گلشن وصال، روحانی وصال: ص ۶۳۶-۶۳۷)، منظومه‌ای در بحرهای مختلف عروضی به نام *نصاب‌الرجال* به سبک *نصاب‌الصبيان* برجای مانده که اهمیت فراوان دارد. او در این منظومه از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش انتقاد کرده و اشارات مختلفی هم به مشروطه دارد که گاه با انتقاداتی، بخاطر انحرافات که در مشروطه بوجود آمد، همراه است. با این حال، این منظومه را نمیتوان اثری جریان‌ساز به شمار آورد، زیرا آنرا پس از فوت اورنگ (۱۳۴۴ق/ ۱۳۰۵ش) در بمبئی و سپس در سال ۱۳۰۹ش در تهران چاپ کرده‌اند (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۱: ص ۳۷۱-۳۷۴). در اینجا چند بیت از انتقاداتش درباره مشروطه آورده میشود:

وطن‌پرست قلیل و وطن‌فروش کثیر امین و مصلح کمیاب و فتنه‌جو بسیار
حکیم بیدین مشروطه‌خواه لامذهب طبیب دشمنِ جان مهاجر و انصار...
وکیل، دشمن این آب و خاک و ملت هم بغیرِ وهم اگر دیده‌ای بیا و بیار

(نصاب‌الرجال، اورنگ شیرازی: ص ۲-۳)

اورنگ شیرازی در مخمسی مفصل که از نظر تاریخی (اوایل حکمرانی احمدشاه) بسیار مهم است، به حوادث مختلفی از دوران مشروطه و همچنین سوابق خود در این راه اشاره میکند:
ده سال فزون در پی مشروطه دویدم در راه وطن این‌همه زحمت بکشیدم...

(رک: مشوش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۲۹۲-۲۹۸)

او در اشعار دیگری نیز به این حوادث و زندانی شدن خود اشاره دارد و بیان میکند که از جانب جمعی از ایرانیان (در پایتخت) مأمور شده در راه آزادی وطن، همشهریان خود را یاری برساند، اما در این راه، بدلیل نبود شرایط مناسب اجتماعی - سیاسی به توفیق دست نیافته است (رک: *دره‌الانوار حسنی*، رئیس‌الاطباء: ص ۶۲-۶۴ و ۶۴-۶۷).

۸. مُدرک شیرازی

میرزا عبدالله بن محمدحسین شیرازی ملقب به «رکن‌التجار» و متخلص به «مدرک» از نویسندگان، شاعران و آزادی‌خواهان عهد مشروطه (متولد ۱۲۹۲/ ۱۲۵۴ش، متوفی ۱۳۳۴ق / ۱۲۹۵ش) بود. پس از تحصیل علوم رایج در بوشهر به تجارت پرداخت، اما بیشتر سرمایه خود را از دست داد و به منشیگری روی آورد (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۴: ص ۳۸۲-۳۸۴). در این دوره

بود که به قول فرزندش رکن‌زاده آدمیت (همانجا): «به سرودن شعر و نوشتن مقالات اجتماعی و ادبی در جرائد *حبل‌المتین* کلکته و *چهره‌نمای* قاهره و *ثریا* و *اختر* و *حکمت* و *مظفری* و *مطالعۀ* کتاب پرداخت... و دم از آزادی و مشروطه‌خواهی میزد و اشعار وطنی میگفت و مرتباً با میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا عبدالمحمد اصفهانی مدیر *چهره‌نما* و *فرصت‌الدوله* و جهانگیرخان شیرازی مدیر *صور* اسرافیل و سایر آزادی‌خواهان مکاتبه میکرد و برای او کتاب میفرستادند و در راه وطن‌دوستی راه افراط میپیمود.»

او در زمان جنگ جهانی اول نیز به مبارزه با نیروهای انگلیس در بوشهر پرداخت. علاوه بر دیوانی سه‌هزاربیتی که اطلاعی از آن در دست نیست و در اختیار فرزندش محمدحسین رکن‌زاده بوده، مدرک روزنامه سفر بنادر و همچنین شرح حال و مسافرتهاى پدرش به لندن و حجاز و مسقط و ... را تألیف کرده است (همان: ص ۳۸۴-۳۸۵؛ *مشوئ‌نامه*، سدیدالسلطنه: ص ۴۸ و ۳۵۳).

۹. بدیع بهبهانی

محمدحسن خان نصرت‌الوزاره (متوفی ۱۳۵۶ق / ۱۳۱۶ش) در خانواده‌ای اصالتاً شیرازی و منتسب به بهبهان در کاظمین متولد شد. علوم ادبی و زبان فرانسوی را در بصره آموخت. چون در ایران آوای مشروطه برخاست، اشعار و مقالاتی در روزنامه *مشهور حبل‌المتین* کلکته به چاپ رساند. او در بصره به تشکیل جمعیت ایرانیان پرداخت و پس از خلع محمدعلی میرزا و اعلام مشروطه، جشن باشکوهی برپا کرد. از او آثاری از جمله *رمان تاریخی* و *مشهور داستان باستان* (سرگذشت کوروش) برجای مانده است (*مشوئ‌نامه*، سدیدالسلطنه: ص ۱۱۷؛ از صبا تا نیما، آریین‌پور، ج ۲: ص ۲۵۴-۲۵۵؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۱: ص ۴۳۵-۴۳۶).

بدیع بهبهانی در شعری که برخلاف اشعار پیش از این دوره، در آن از زبان محاوره‌ای بخوبی استفاده شده، در اشاره به استبدادهای حاکم بر جامعه میگوید:

حرف حق گر بزنی توسری و فحش و لگد	از فلان خان و فلان بیگ جوابه بگمت
گفتگویی ز تمدن نکنی پیش فلان	که غضبناک و بسی زشت‌لعبه بگمت
حرف مشروطه و قانون بر او جایز نیست	مستبد است و به دل [ظلم] مآبه بگمت

(*مشوئ‌نامه*، سدیدالسلطنه: ص ۲۸۱).

از او قطعه مشهوری نیز در انتقاد از فراوانی القاب درباریان و بی‌کفایتیشان نقل شده است (رک: همان: ص ۲۷۹-۲۸۰).

شاعران مجاهد در راه مشروطه

برخی از شاعران فارس نه از راه شاعری، بلکه با اقدامات خود به مبارزه با استبداد پرداختند. سروده‌های این شاعران، اغلب عاشقانه و عارفانه است و یا به وقایع پس از انقلاب مشروطه مثل

جنگ جهانی اول و انقراض قاجار مربوط میشود. گفتنی است بدلیل محدودیت تعداد صفحه برای مقاله، ناگزیریم با اجمال بیشتری زندگی این شاعران را از نظر بگذرانیم:

۱. صور اسرافیل

میرزا جهانگیرخان شیرازی متخلص به «جهانگیر» (متولد ۱۲۹۴ق/ ۱۲۵۶ش در شیراز) مدیر روزنامه مشهور صور/اسرافیل چاپ تهران بود که نقش بسزایی در انقلاب مشروطیت و آگاهی مردم داشت. پس از تحصیل علوم قدیم در شیراز، در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخت. او مصادف با آغاز نهضت مشروطه، امتیاز روزنامه صور/اسرافیل را گرفت و با کمک قلمی میرزا علی‌اکبر دهخدا (متوفی ۱۳۳۴ شمسی) و مدد مالی میرزا قاسم‌خان تبریزی، سی‌ودو شماره از آنرا منتشر ساخت. او در نهایت بدلیل نوشتن مقالات بی‌پروایی در مورد ستمهای درباریان و فساد اجتماعی در ایران بدستور محمدعلی‌شاه در سال ۱۳۲۶ق (۱۲۸۷ش) اعدام شد. جهانگیر پیش از اینکه در گیرودار حوادث مشروطه قرار گیرد، اشعاری عاشقانه و غیراجتماعی میسرود که در برخی تذکره‌ها نقل شده است (رک: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۲: ص ۱۵۳-۱۵۴).

۲. باقر اصطهباناتی

شیخ محمدباقر اصطهباناتی متخلص به «باقر»، همان شخصی است که به همراه سید احمد دشتکی بدست عمال قوام‌الملک در روز سوم مجلس ترحیم او به سال ۱۳۲۶ق (۱۲۸۶ش) کشته و به «شهید رابع» مشهور شد. او تحصیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیات به پایان رساند و به شیراز بازگشت. پس از آن مردم این شهر را در مخالفت با مستبدین یاری رساند. از باقر اصطهباناتی اشعاری عرفانی و حکمی به فارسی و عربی در دست است. شهادت اصطهباناتی منجر به بروز مخالفت‌های بیشتر در فارس و ایران شد (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده: ج ۱، ص ۴۱۰-۴۱۱؛ شهید رابع، اسلامی: ص ۴۲).

۳. رحمت کازرونی

سید علی مجتهد کازرونی متخلص به «رحمت» (وفات در ۱۳۴۳ق/ ۱۳۰۳ش) مجتهدی روشنفکر بود. او برای حمایت و اثبات فواید مشروطه، رساله‌ای به فارسی و رساله‌ای به عربی در انتهای دیوان خود چاپ کرد. با توجه به فعالیت‌هایی که رحمت کازرونی در این زمینه انجام داد، دو دوره به ریاست انجمن‌های ایالتی انتخاب شد. همچنین در دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی به عنوان «مجتهد طراز اول» به نمایندگی انتخاب گردید، اما در مجلس شرکت نکرد (رک: دیوان رحمت کازرونی: ص ۱۱ و ۷۷-۸۹). رحمت در مذاکره و رفع اختلاف میان انجمن ایالتی و انجمن اسلامی فارس، بدلیل اینکه مورد اعتماد طرفین بود، نقش میانجی داشت (خاطرات پیر روشن‌ضمیر، استخر: ص ۶۱).

۴. فرصت شیرازی

محمدنصیر شیرازی متخلص به «فرصت» (متوفی ۱۳۳۹ق/ ۱۲۹۹ش)، شاعر مشهور شیرازی و نویسنده کتاب‌های متعدد، از جمله آثار العجم است. فرصت از سال ۱۳۲۳ق (۱۲۸۴ش) به مدت پنج

سال در تهران اقامت داشت. بنابراین وی شاهد وقایع مهم مشروطیت از ابتدا تا استبداد صغیر بود. او این وقایع را از دیدگاه خود در کتاب *دبستان/الفرصة* (ص ۱۴۹-۱۸۲) شرح داده است. وی از طرفداران انقلاب مشروطیت و از استادان جهانگیرخان صور اسرافیل به شمار می‌آمد. مأموران او را در تهران در خانه صور اسرافیل به جرم مشروطه‌خواهی دستگیر کردند، اما با وساطت کدخدای محله و ذکر این نکته که فرصت معلم شعاع السلطنه بوده، از چنگ آنان رهایی یافت (همان: ص ۱۲۳ و ۱۴۹-۱۵۲). فرصت در روزنامه‌ای که حدود یک دهه پس از مشروطه با عنوان «فارس» انتشار میداد، در مقاله‌ای درباره نفاق، به نظر خود درباره مشروطه اشاره میکند و ضمن حمایت از آن، نسبت به پاره‌ای از مسائلی اعتراض دارد (رک: روزنامه فارس، فرصت شیرازی: ص ۳-۴).

۵. معصومعلی شیرازی

میرزا معصومعلی نایب‌الصدر شیرازی (متوفی ۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش)، صاحب کتاب مشهور *طرائق الحقایق*، از عارفان نعمت‌اللّهی بود که پس از اینکه بیشتر سرزمینهای اسلامی و نیز هندوستان و ترکستان را سیاحت کرد، مجاهدتهایی در راه انقلاب مشروطه انجام داد؛ به همین دلیل مستبدان کوشیدند او را به قتل برسانند، اما او در حرم حضرت عبدالعظیم^(ع) متحصّن شد. اعتمادالتولیه نزد محمدعلی شاه در مورد او شفاعت کرد و شاه از کشتنش، بشرط آنکه از تهران برود، صرف نظر کرد. بناچار نایب‌الصدر از تهران به گناباد رفت و از گذشته اظهار پشیمانی کرد (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۴: ص ۴۸۹-۴۹۰).

۶ و ۷. شیخ‌الحکماء و ناظم‌الحکماء کازرونی

میرزا محمدحسین ملقب به «شیخ‌الحکماء» (در گذشته به سال ۱۳۳۴ق/۱۲۹۴ش) و میرزا محمدجواد ملقب به «ناظم‌الحکماء» (متوفی ۱۳۴۶ق/۱۳۰۷ش) از شاعران، دانشمندان و حکیمان آن عهد بودند. این دو برادر که در عراق عرب تحصیل کرده و در بوشهر سکنی گزیده بودند، در اوایل انقلاب مشروطه در بوشهر علیه استبداد محمدعلی شاه قیام و انجمن «اتحاد اسلام» را تأسیس کردند. آنان رهبری مشروطه‌خواهان را به عهده گرفتند و در استبداد صغیر و غلبه موقتی مستبدین بر آزادی خواهان از بوشهر به بنادر کوچک خلیج فارس مهاجرت کردند و چندی در جزیره هنگام متواری شدند و از آنجا نیز محرمانه با آزادی خواهان بوشهر و شیراز مکاتبه داشتند (رک: همان: ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۸ و ج ۴، ص ۶۳۸). شیخ‌الحکماء و ناظم‌الحکماء هر دو دارای دیوان اشعار بوده‌اند که متأسفانه تاکنون شناسایی نشده و تنها چند غزل و چند بیت مثنوی حکمی از شیخ‌الحکماء در مشوّش‌نامه (مشوّش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۱۱۵-۱۱۷) نقل گردیده است.

۸. عیسی شیرازی

میرزا علی محمد کلاه‌دوز شیرازی متخلص به «عیسی» (متوفی ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش) که از شیراز به بوشهر رفت و تا آخر عمر در آنجا به کلاه‌دوزی اشتغال داشت. او را مشروطه‌طلب دانسته‌اند؛ گرچه شعری از وی در این باره بدست نیامد و تنها شعری از او در *بیکفایتی حافظ‌الصحة* بنادر فارس

(مشووش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۳۰) به موضوع این مقاله نزدیک است (تذکره شعاعیه، شعاع شیرازی: ص ۳۱۰-۳۱۱؛ مشووش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۳۰-۳۱ و ۵۲-۵۴).

۹. غلامحسین بندرریگی

در بوشهر میزیست و به تجارت مشغول بود، اما پس از ۱۳۳۰ق (۱۲۹۰ش) در بغداد درگذشت. اغلب اشعار وی هجو و هزل و همچنین غزل بود است (مشووش‌نامه، سدیدالسلطنه: ص ۸۱). او در سال ۱۳۰۳ق (۱۲۶۴ش) تا زمانی که سید جمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر سکنی گزیده بود، در محضر او به یادگیری مسائل مختلف میپرداخت (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۱: ص ۴۶). بندرریگی در پی تشکیل مجلس شورای ملی طی نامه‌ای هوشمندانه به نظریه‌پردازی در مورد چگونگی این مجلس و ویژگی نمایندگان آن پرداخته است. تاریخ این نامه خطاب به «نفس اعلای حضرت اقدس همایون» که باید منظور مظفرالدین‌شاه باشد، مشخص نیست، اما باید اندکی پس از تشکیل دوره اول مجلس و پیش از درگذشت مظفرالدین‌شاه نوشته شده باشد. اصول، نکات و پیشنهادها قابل توجهی در این نامه مطرح شده است؛ از جمله: ایجاد مجلس و یا هیئتی عالیتر از مجلس و دولت برای رفع اختلافات، انتخاب نمایندگان بدست مردم، احترام گذاشتن به پیروان ادیان آسمانی و رفتار محترمانه با بیگانگان برای جلوگیری از تبلیغات سوء آنان در جرایدشان علیه ایرانیان (رک: مجموعه‌الظرایف، سدیدالسلطنه: ص ۲۱-۲۶).

۱۰. انوار اردکانی

سید ابراهیم انوار معروف به «حاج مدرّس» (متوفی ۱۳۷۳ق/۱۳۳۳ش) که در راه مشروطه خدمات فراوانی ارائه کرد. منزل او در شیراز و تهران همواره محل تردّد دانشمندان و آزادیخواهان اوایل مشروطیت بود و پس از آن، مردم شیراز را در مجلس دوم نمایندگی میکرد. او در نجف اشرف در محضر ملا محمدکاظم آخوند خراسانی، از مراجع تقلید حامی مشروطیت، شاگردی کرده و مسلماً از او تأثیر پذیرفته بود. انوار گاه اشعار متوسطی میگفت که عموماً عاشقانه‌اند. البته مخمّسی از او نقل شده که متضمّن اصطلاحات جدید است و اشاراتی نیز به حوادث اواخر عهد قاجار (جنگ جهانی اول، مطرح شدن مسئله جمهوریّت و...) دارد (رک: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۱: ص ۳۴۸-۳۵۰).

۱۱. حبیب شیرازی

شیخ علی مجتهد ابیوردی شیرازی متخلص به «حبیب» (درگذشته ۱۳۵۷ق/۱۳۱۷ش) که پس از رسیدن به درجه اجتهاد در نجف اشرف، با توجه به نظر استاد خود، آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، برای ترویج مشروطه به شیراز برگشت. مردم شیراز از او استقبال شایان کردند و شیخ علی مجتهد نیز فتوای آخوند خراسانی را مبنی بر تقویت و سعی در راه استقرار مشروطه به آنان

ابلاغ کرد. او نماینده مردم شیراز در دوره اول مجلس هم بود. برخی از اشعار اخلاقی و مذهبی او با عنوان *کنزالنصایح* یا *گنج سعادت* در شیراز به طبع رسیده است (همان، ج ۲: ص ۲۲۱-۲۲۲؛ سیمای شاعران فارس در هزار سال، امداد، ج ۱: ص ۶۱۵).

۱۲. سلطان العلماء بستکی

عبدالرحمن بن مولا یوسف خالدی شافعی بستکی ملقب به «سلطان العلماء» (متولد ۱۲۹۳ق/ ۱۲۵۴ش در بستک، متوفی ۱۳۶۷ق/ ۱۳۲۶ش) از ادبا، شعراء و مفتیان دانشمند فارس بود. او در نهضت مشروطه، اهالی جنوب را علیه استبداد تشجیع و تحریک کرد و تا آنجا که میسر بود، در راه بسط آزادی کوشید. از او تألیفات و اشعاری به عربی در دست است. گویا اشعاری نیز به فارسی داشته است (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، رکن‌زاده، ج ۳: ص ۱۷۳-۱۷۵).

شاعران مخالف مشروطیت

البته باید اشاره کرد که شاعرانی نیز به دلایل گوناگون، در اشعار و یا در تفکر و عملکرد، با مشروطه و تجدد مخالف بوده‌اند؛ از جمله:

۱. صدرالسادات کازرونی

صدرالسادات کازرونی (متوفی ۱۳۵۴ق/ ۱۳۱۴ش) که در کتاب *آثارالرضا* (تألیف ۱۳۲۷ق/ ۱۲۸۸ش) از وقایع مشروطه به «روایح عفنه مثل مرض طاعون و وبا و امراض مزمنه» تعبیر میکند. وی در این سالها از اینکه با وجود شایستگی و دارا بودن املاک نتوانسته جایگاه مناسبی در جامعه بیابد، شکایت دارد و از اوضاع پریشان اقتصادی و اجتماعی ایران مینالد (رک: آثارالرضا، سلامی: ص ۳۵).

۲. شعاع شیرازی

محمدحسین شعاع شیرازی (درگذشته ۱۳۶۳ق/ ۱۳۲۳ش)، شاعر مشهور آن عهد نیز با آنچه از آن بوی آزادی، تجدد و تغییر وضع موجود می‌آمد، بشدت مخالفت میکرد. او در مناظره‌ای ساختگی که میان کریم‌خان زند - که همانند وکیلان مجلس ملقب به «وکیل‌الرعیایا» بود - و علامه مجلسی ترتیب داده، از ضد شرع بودن اساس مجلس و خیانت نمایندگان سخن میگوید (دیوان شعاع شیرازی: ص ۵۵۹) و وقایع مربوط به انقلاب مشروطه در فارس را «بلوا» مینامد، و در قصیده مفصلی با نام «بلوائیه»، به شرح ماجراهای آن میپردازد (رک: همان: ص ۲۹-۳۴). برای نمونه این رباعی او نقل میشود:

آوازه مشروطه چو برخاسته شد از جان و تن و مال کسان کاسته شد

ایران که نموده بُد به ویرانی روی گل بود و به سبزه نیز آراسته شد

(همان: ص ۴۳۳؛ نیز رک: ص ۴۳۴)

۳. علی ریشه‌ری

برخی از شاعران همچون علی ریشه‌ری نیز که حتی پس از مشروطه به سال ۱۳۳۳ق (۱۲۹۳ش) ریاست عدلیه بندرعباس را در اختیار داشته، نجات‌دهنده واقعی ملت را حضرت مهدی (عج) میدانند و چنین از نتیجه دولت مشروطه سخن می‌گویند:

از مطلقه و دولت مشروطه ایران ما طرف نبستیم بجز ذلت و خسران
 کردید جوانان وطن یکسره قربان اوضاع وطن گشت بیکباره پریشان...
 یارب برسان حامی دین سرور ابرار مهدی که کند روز عدو را چو شب تار
 (مشوژنامه، سدیدالسلطنه: ص ۲۷۷)

نتیجه

در این پژوهش کوشیده شده خوانندگان با این نکته مهم در تاریخ و ادبیات مشروطیت آشنا شوند که وقایع انقلاب مشروطه تنها در مناطق شمالی ایران بویژه تهران و تبریز به وقوع نپیوسته است و مردم فارس نیز در به ثمر رساندن این انقلاب سهم درخور توجهی دارند. همچنین شاعران این دیار بعنوان طبقه‌ای تحصیل کرده در این جریان سیاسی اجتماعی کوشش‌های زیادی کرده‌اند؛ برخی همچون معطر بواناتی، تاجر شیرازی و معتقد اهرمی با زبان شعر به مبارزه با استبداد و بیان عقاید خود درباره مشروطه و آزادی پرداخته و برخی دیگر مانند جهانگیرخان صور اسرافیل، باقر اصطهباناتی و فرصت شیرازی، گرچه شاعر بوده‌اند، اما به طریقه‌هایی مثل روزنامه‌نگاری، رساله‌نویسی و یا مجاهدت و شهادت در این راه، نقش مؤثری در آزادیخواهی ملت ایران و بدست آمدن حقوق اجتماعی داشته‌اند. البته معدود شاعرانی مخالف با مشروطه نیز در فارس میزیسته‌اند که نشان‌دهنده وجود آرای گوناگون در میان سرایندگان یک محدوده جغرافیایی است.

اشعار این شاعران اصولاً جدی است و طنز در این گونه اشعار جز در یکی دو مورد دیده نمی‌شود. همچنین در این سروده‌ها نمیتوان ادبیات کارگری و توجه به اقشار پایین جامعه یافت. در این میان نامی هم از شاعر یا نویسنده زن برده نمی‌شود و از این منظر نیز، ادبیات فارس، غنی نیست. نکته‌ای که در مقایسه شاعران دیار فارس در آن دوران حساس با شاعران ساکن تهران دیده می‌شود، نوعی سردرگمی سیاسی، احساسی برخورد کردن و نبودن در بطن اصلی انقلاب مشروطه است؛ همچنان که در جریان این انقلاب، افراد آگاه و روشنفکر اندکی در فارس حضور داشتند و این افراد نتوانستند همچون روشنفکران و آزادی‌خواهان پایتخت، از موقعیت بخوبی استفاده کنند و قیام مردم را در جهت عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی هدایت نمایند. در فارس، انقلاب مردم تحت تأثیر

جریانات دینی و قومی - قبیله‌ای قرار داشت و بستر مناسب برای تحول توده مردم ایجاد نشده بود. به همین دلیل است که بسیاری از شاعران منتسب به این سرزمین، که در این مقاله به تأثیر و واکنش آنها در جنبش مشروطه پرداخته شد، یا حداقل مدتی از عمر خود را (بویژه در زمان رخ دادن انقلاب) در پایتخت گذرانده بودند (مثل: فصیح‌الزمان رضوانی، اورنگ، فرصت و صور اسرافیل) و یا در پی مسافرت به سرزمینهای دیگر و درک عقب‌ماندگی ملت ایران، سعی در بهبود شرایط داشتند (مانند: تاجر شیرازی و معطر بواناتی). در این میان، کمتر شاعری را میتوان یافت که حتی به دور از جریانات اصلی این جنبش در مرکز فارس، به این وقایع واکنش نشان داده باشد و با مردم همراه شود (همچون: سعیدی کازرونی).

منابع

۱. آثارالرضا، صدرالسادات سلامی، پژوهش زهرا خوشبویی و موسی مطهری‌زاده، تهران: کازرونیه، ۱۳۸۱.
۲. ابراهیم جان معطر؛ شرح احوال میرزا محمدباقر بواناتی، ایرج افشار، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، جلد یازدهم، ۱۳۴۲.
۳. ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، عبدالرحیم ذاکر حسین، تهران: علم، ۱۳۷۷.
۴. از صبا تا نیما، یحیی آربن‌پور، چاپ هشتم، تهران: زوآر، ۱۳۸۲.
۵. تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۶. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ادوارد براون، ترجمه محمد عباسی، تهران: علم، ۱۳۸۶.
۷. تذکره شعاعیه، محمدحسین شعاع شیرازی، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۰.
۸. تکمله راجع به شرح تاریخ زندگی سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی، محمدعلی سدیدالسلطنه، کاوه، شماره ۵۶، ۲۶ فروردین ۱۲۹۱.
۹. خاطرات پیر روشن‌ضمیر (فارس از مشروطه تا پهلوی)، محمدحسین استخر، بکوشش مسعود شفیعی سروستانی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی و آوند اندیشه، ۱۳۸۸.
۱۰. دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، محمدحسین رکن‌زاده (آدمیت)، تهران: اسلامیه و خیام، ۱۳۳۷-۱۳۴۰.
۱۱. دبستان‌الفرصة، محمدنصیر فرصت شیرازی، بمبئی: مطبع مظفری، ۱۳۳۴ق.
۱۲. درة‌الانوار حسنی، علاءالدین حسین رئیس‌الاطباء، بتصحیح علی‌اکبر صفی‌پور و پرتو پروین، شیراز: فارس‌شناسی و تخت جمشید، ۱۳۸۹.
۱۳. دیوان رحمت، سیدعلی مجتهد کازرونی (رحمت)، بکوشش علی‌نقی بهروزی، شیراز: کتابخانه احمدی، ۱۳۲۶.
۱۴. دیوان شعاع شیرازی، محمدحسین شعاع شیرازی، نسخه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بشماره ۳۰۰ حکمت.
۱۵. رسایل مشروطیت، غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.

۱۶. روزنامه فارس، محمدنصیر فرصت شیرازی، سال اول، شماره اول، دوشنبه شانزدهم محرم، ۱۳۳۵ق.
۱۷. روضه رضوان، فصیح‌الزمان رضوانی شیرازی، گردآوری سهم‌الدین فرصتی، شیراز: چاپخانه مهرگان، ۱۳۲۶.
۱۸. سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، محمدعلی سدیدالسلطنه، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۱۹. سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیرالطریق)، محمدعلی سدیدالسلطنه، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: به‌نشر، ۱۳۶۲.
۲۰. سیمای شاعران فارس در هزار سال، حسن امداد، تهران: ما، ۱۳۷۷.
۲۱. شهید رابع، محمدجواد اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۲. ضمیمه اللطیفه (به انضمام مفاتیح‌الادب فی تواریخ‌العرب)، محمدعلی سدیدالسلطنه، تهران: بینا، ۱۳۱۵ق.
۲۳. فارس در عصر قاجار، حسن امداد، شیراز: دانشنامه فارس و نوید شیراز، ۱۳۸۷.
۲۴. فارسنامه ناصری، میرزا حسن فسایی، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۲۵. گلشن وصال، علی روحانی وصال، با تنظیم، تصحیح و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۶.
۲۶. گل‌های فصیح‌الزمان رضوانی، فصیح‌الزمان رضوانی شیرازی، گردآوری سهم‌الدین فرصتی، شیراز: چاپخانه نور، ۱۳۲۷.
۲۷. مجموعه‌الظرایف، محمدعلی سدیدالسلطنه، نسخه خطی ۹۴۴۴ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
۲۸. مشوش‌نامه، محمدعلی سدیدالسلطنه، نسخه خطی ۹۴۴۳ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
۲۹. مغاص‌اللثالی و منار‌الللیالی، محمدعلی سدیدالسلطنه، نسخه ۹۴۲۱ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
۳۰. میکادونامه، حسینعلی تاجر شیرازی، بکوشش علی میرانصاری، آینه میراث، سال چهارم، ضمیمه شماره ۹، ۱۳۸۵.
۳۱. نصاب‌الرجال، محمود اورنگ شیرازی، تهران: مطبعة علمیه، ۱۳۰۹.
۳۲. نگاهی به تحولات فارس در آستانه استبداد صغیر، محمدباقر وثوقی و کورش کمالی سروستانی، شیراز: ستاد کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۷.
۳۳. نهضت آزادی‌خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران، جهانگیر قائم‌مقامی، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۹.
۳۴. هادی‌السبیل، عبدالوهاب سعیدی، شیراز: مطبعة ایالتی، ۱۳۲۸ق.